ارکان عدالت موعود

<"xml encoding="UTF-8?>

با بررسی اجمالی روایاتی که شیعه و اهل سنت در زمینه بشارت به ظهور مهدی (ع) نقل کرده اند، روشن می شود که در این روایات آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار گرفته برپا داشتن قسط و عدل و نابود کردن ظلم و جور از سوی آن حضرت است . براساس بررسی مؤلف کتاب منتخب الاثر در منابع و مصادر شیعه و اهل سنت نزدیک به 130 حدیث، دلالت بر این دارد که امام مهدی (ع) زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می سازد . (1) که از آن جمله می توان به این روایات اشاره کرد:
پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند:
شما را به مهدی بشارت می دهم . او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب ها هستند، در امت من برانگیخته می شود و جهان را از عدالت و برابری پر می سازد، همچنانکه از ظلم و ستم پر شده بود . (2)
از امام محمدباقر (ع) نیز نقل شده است که:
پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، فرمودند: امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین، که بر او درود باد، هستند و نهمین آنها قائم ایشان است . او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد؛ بعد از آنکه از ستم و بی عدالتی پر شده بود . (3)
توجه خاص روایات به موضوع عدالت گستری امام مهدی (ع) و فراوانی روایاتی که در این زمینه وارد شده اند همه بر نقش محوری این موضوع در قیام و انقلاب جهانی آن حضرت و جایگاه خاص آن در حکومت مهدوی دلالت دارند . از این رو لازم است در پژوهش ها و بررسی هایی که در زمینه انقلاب و حکومت امام مهدی (ع) صورت می گیرد به این موضوع بیش از پیش توجه شود و ابعاد مختلف عدالت گستری و ظلم ستیزی آن حضرت تبیین گردد .
عدالت مهدوی را از دو زاویه می توان مورد بررسی قرار داد؛ یکی از نظر ارکان و پایه های این عدالت و دیگری از نظر گستره و عمق این عدالت . اگر چه بحث جامع و کامل از هر یک از زوایای یاد شده مجال وسیعی می طلبد، اما در این مقال تلاش خواهیم کرد که در حد توان خود، به اجمال، هر یک از این دو جنبه را مورد بررسی قرار دهیم .

ارکان و پایه های عدالت مهدوی

برپایی عدالت در هر جامعه ای نیازمند ارکان و پایه های متعددی است و نبود هر یک از این ارکان موجب ناپایداری عدالت در آن جامعه می شود . مهمترین ارکان عدالت عبارتند از:
1 . حاکم عادل؛ 2 . کارگزاران عادل؛ 3 . قوانین عادلانه؛ 4 . نظام عادلانه .

1. حاکم عادل

بدون شک آنگاه می توان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت داشت که امام و حاکم آن جامعه خود در مسیر دالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد . از این روست که می بینیم در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می کند وجود امام عادل از مهمترین شرایط است و بدون وجود این امام، حکومت از مشروعیت برخوردار نیست .

از نظر شیعه برقراری نظام حکومتی که همه روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد جز به دست آخرین امام معصوم و خاتم حجت های الهی، حضرت مهدی (ع) امکان پذیر نیست و از همین روست که در روایات از دولت آن حضرت به عنوان آخرین دولت یاد شده؛ یعنی دولتی که پس از پشت سر گذاشتن همه تجربه های بشری و نومیدی از همه الگوهای حکومتی خود ساخته مستقر می شود .

امام باقر (ع) در این زمینه می فرمایند:

دولت ما آخرین دولت هاست . هیچ خاندان صاحب دولتی نمی ماند مگر اینکه پیش از [دولت] ما به حاکمیت می رسند تا زمانی که سیره [حکومتي] ما را می بینند نگویند: «اگر ما هم به حاکمیت می رسیدیم به همینگونه رفتار می کردیم» و این سخن خداوند، صاحب عزت و جلال است که: «سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است» . (4) (5)

البته این سخن به این معنا نیست که هرگونه تلاش برای برقراری عدالت در دوران غیبت بی فایده است و یا اساسا نباید در این دوران حرکتی را برای استقرار نظام عادلانه؛ حتی در سطحی محدود انجام داد، بلکه معنای این سخن این است که تا پیش از ظهور امام مهدی (ع) هیچ حکومتی نمی تواند ادعا کند که توان برقراری نظام عادلانه کامل را دارد .

چنانکه امام راحل قدس سره فرمود:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم . اما، چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند . . . اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (ع) . (6)

بنابر آنچه گفته شد نخستین شرط برقراری یک نظام عادلانه کامل وجود امام معصوم عادل است .

پیشوا و رهبر مسلمانان باید در بالاترین مرتبه تقوا و پرهیزکاری و از هرگونه شائبه ظلم و ستم به دور باشد .

چنانکه امام علی (ع) می فرماید:

. . . خداوند بر پیشوایان دادگر واجب فرموده که خود را در معیشت با مردم تنگدست برابر دارند تا بینوا را رنج بینوایی به ستوه نیاورد . (7)

امام مهدی (ع) به عنوان رهبر معصومی که تحقق بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود، خود در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملا بر عدالت منطبق است . توجه به مفاد بیعتی که امام در آغاز قیام خود از یارانش می گیرد ما را به عمق سیره و روش مبتنی بر عدالت آن حضرت رهنمون می سازد:

. . . با او بیعت می کنند که هرگز: دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ گرد همجنس گرایی نگردند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به

نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و . . . او نیز در حق خود تعهد می کند که: از راه آنها برود؛ جامه ای مثل آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آنچنانکه آنها می خواهند باشد؛ به کم راضی و قانع شود؛ زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آنچنانکه پر از ستم شده است؛ خدا را آنچنانکه شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و . . . (8)

چنانکه ملاحظه می شود امام مهدی (ع) در این پیمان نامه نه تنها از یارانش می خواهد که از هرگونه آلودگی و پلیدی به دور باشند، بلکه خود نیز متعهد می شود از همه آنچه یارانش را از آنها منع کرده دوری گزیند و در زندگی خود همان راه و روشی را پیش گیرد که یارانش را بدان دعوت کرده است .

علاوه بر پیمان نامه یاد شده امام مهدی (ع) در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور نکاتی را یادآور می شوند که آنها نیز به خوبی راه و روش مبتنی بر عدالت و پرهیزکاری آن حضرت را روشن می سازد . متن این سخنرانی به نقل از امام باقر (ع) چنین است:

مهدی هنگام نماز عشاء در مکه ظهور می کند در حالی که پرچم رسول خدا، که درود خدا بر او و خاندانش باد، و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه ها و نور و بیان است . وقتی نماز عشاء را به جا آورد با صدای رسا و بلند خود می فرمایند: ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم . شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده اید . او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب [آسماني] فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده اش اطاعت و فرمانبرداری کنید و زنده نگه دارید آنچه را که قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را که او میرانده است . هواداران راستی و هدایت و پشتیبان تقوی و پرهیزگاری باشید؛ زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلام وداع نموده است . و من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می کنم . سپس او، بدون قرار قبلی، به همراه سیصد و سیزده مرد، به شمار یاران بدر، که همچون ابر پاییزی پراکنده اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می کند و خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی می گشاید و او هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می برد، آزاد می سازد . آنگاه درفش های سیاه در کوفه فرود می آید و گروهی را به جهت بیعت به سوی مهدی روانه می سازند و آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل داشته و ستم و ستم پیشگان را از میان برمی دارد و همه سرزمین ها به دست او به راستی و درستکاری درمی آیند . (9)

در مورد سیره و روش زندگانی امام مهدی (ع) روایات فراوانی نقل شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

امام صادق (ع) خطاب به یاران خود که نسبت به ظهور قائم (ع) بی تابی می کردند، می فرماید:

چرا در مورد ظهور قائم این همه شتاب می کنید؟ ! به خدا سوگند که او لباس خشن می پوشد، طعام خشن (بی خورشت) می خورد و . . . از سیره جدش رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، پیروی می کند و زندگانی او مانند زندگی امیر مؤمنان، که بر او درود باد، است . (10)

توجه به روایت زیر ما را در درک سیره شخصی امام مهدی (ع) به عنوان حاکم اسلامی یاری می کند . مفضل بن عمر، یکی از یاران امام صادق (ع) چنین نقل می کند:

در خدمت ابوعبدالله [امام صادق] که بر او درود باد، مشغول طواف بودم . در همین هنگام امام نگاهی به من کرد و فرمود: چرا اینگونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را می بینم و این مال و سلطنت و قدرتی که در دست آنهاست . اگر هم در دست شما بود، ما هم با شما در آن

سهیم بودیم . امام (ع) فرمود: ای مفضل! بدان، اگر قدرت در دست ما بود شب ها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می پرداختیم، جامه ای خشن بر تن داشتیم و غذای بی خورشت می خوریم، درست مانند شیوه امیر مؤمنان، که بر او درود باد؛ زیرا اگر جز این عمل شود پاداش آن دوزخ خواهد بود . (11)

2. کارگزاران عادل

یکی از موانع اساسی که در برقراری عدالت در جامعه همواره فرا روی مصلحان اجتماعی قرار داشته، نبود مجریان و کارگزاران عادل است . وجود این مانع بسیاری از حرکت های عدالت خواهانه را با شکست مواجه و بسیاری از حکومت هایی را در پی گسترش عدالت در جامعه بوده اند ناکام ساخته است .
یکی از تفاوت های اساسی حکومت امام مهدی (ع) با دیگر حکومت هایی که در طول تاریخ داعیه برقراری عدالت داشته اند این است که پیش از اقدام برای تشکیل حکومت به تعداد مورد نیاز افراد زبده و برگزیده ای که در نهایت تقوا و پرهیزکاری هستند تربیت نموده و با برقراری حکومت جهانی خود، آنها را به سراسر جهان گسیل می دارد .
در مورد ویژگی یاران قائم (ع) در روایاتی از امام صادق (ع) چنین می خوانیم:
. . . نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است . آنها شیران روز و زاهدان شب اند . دل هایشان مانند پاره های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را دارا هستند . (12)
امام علی (ع) نیز درباره ویژگی یاران آن حضرت می فرماید:
خداوند تعالی مردمی را برای [یاري] او گرد می آورد، همچنانکه پاره های ابر گرد آمده و به هم می پیوندند .
خداوند دل های آنان را به هم نزدیک می کند . آنها از هیچ کس ترسان نمی شوند و از اینکه کسی بدانها بپیوندد شادمان نمی گردند . تعداد آنها همان تعداد اصحاب بدر است . هیچ کس از پیشینیان از آنها سبقت نمی گیرد و هیچکس از آیندگان به آنها نمی رسد . (13)
آری، امام مهدی (ع) چنین مردمی را برای اداره حکومت خود برمی گزیند و هر یک از آنها را بر منطقه ای حاکم می سازد . چنانکه امام صادق (ع) می فرماید:
حضرت مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می سازد و به آنها دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند . (14)

3. قوانین عادلانه

وجود قوانین عادلانه یکی از شرایط اساسی تحقق عدالت اجتماعی است و بدون وجود آن، حکمرانان عادل به تنهایی نخواهند توانست چنانکه باید و شاید عدالت را در جامعه حکمفرما سازند . بدون تردید کتاب الهی و سنت رسول خدا (ص) بیان کننده عادلانه ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی کم و کاست آنها جامعه طعم عدالت را خواهد چشید . چنانکه امام علی (ع) در برخی از بیانات خود قرآن را آینه تمام عدالت معرفی کرده است . از جمله می فرماید:
قرآن، معدن ایمان و چشمه سار آن؛ چشمه های علم و دریاهای آن، باغ های عدل و آبگیرهای آن است . (15)
و در جای دیگر در وصف قرآن می فرماید:
آن فضل است و هزل نیست، آن گویا به طریقه عدل و امر کننده به فضل است . (16)

از این رو یکی اقدامات مهمی که امام مهدی (ع) برای تحقق عدالت اجتماعی انجام می دهند احیای احکام کتاب و سنت رسول خداست، که در طول زمان به فراموشی سپرده شده و جز پوسته ای از آنها باقی نمانده است .
پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه می فرماید:
دوازدهمین فرزندم از دیده ها غایب شده و پنهان می گردد، تا اینکه زمانی برای امت من فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نمی ماند، در این هنگام خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند . (17)
امیر مؤمنان علی (ع) در بیان بسیار زیبایی اقدام امام مهدی (ع) در زمینه حاکم کردن احکام قرآن بر هواجس و امیال نفسانی انسان ها را، به عنوان مقدمه برپایی عدالت، چنین توصیف می کنند:
هواهای نفسانی را به متابعت هدایت الهی بازمی گرداند، آن زمان که مردم هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند . آراء و اندیشه ها را تابع قرآن گرداند وقتی که قرآن را تابع آراء و اندیشه های خود ساخته باشند . . . و او به شما نشان خواهد داد که دادگری چگونه است و کتاب خدا و سنت را که متروک شده زنده گرداند . (18)
به دلیل همین پیوند ناگسستنی احیای احکام کتاب و سنت و برقراری عدالت است که در دعای عهد طلب می کنیم:
خداوندا! او را پناهگاه بندگان ستمدیده ات و یاری دهنده کسی که جز تو یاوری ندارد، قرار ده و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل گردیده برقرار ساز و او را برپا دارنده آنچه از نشانه های دینت و سنت های پیامبرت، که درود خدا بر او و خاندانش باد، وارد شده قرار ده . (19)

4. نظام عادلانه

تحقق عدالت اجتماعی گذشته از همه شرایط بالا به امر دیگری نیز نیازمند است و آن وجود یک نظام حکومتی مبتنی بر عدالت است . نظامی که جایگاه هرکس به درستی در آن تعیین شده باشد، همه مسئولان وظایف خود را به درستی بشناسند و بدان عمل کنند و بالاخره همه احساس کنند که بر کار آنها نظارت وجود دارد و در صورت خطا و لغزش از آنها بازخواست می شود .
در نظام های بشری بسیار دیده ایم که حتی با وجود حاکمان عادل و قوانین عادلانه چنانکه باید و شاید عدالت بر جامعه حاکم نشده و ظلم و ستم در اشکال گوناگون بر مردم جاری شده است و این همه نبوده است مگر به یکی از دلایل زیر: 1 . قرار نگرفتن درست اجزای مختلف حکومت در جای خود؛ 2 . ناآشنایی کارگزاران با وظایف و مسئولیت هایشان؛ 3 . ضعف نظام بازرسی و نظارت .
در حکومت امام مهدی (ع) نظام حکومتی به شیوه ای شکل گرفته که امکان ظلم و بی عدالتی به صفر می رسد . در این حکومت، اولا چنانکه گفته شد پارساترین و توانمندترین انسان ها به عنوان حکمرانان و کارگزاران برگزیده می شوند؛ ثانیا وظایف تک تک آنها بی هیچ کم و کاست تعیین می گردد و حتی به آنها گفته می شود که در هنگام حیرت و سرگردانی چه کنند و ثالثا نظارت و بازرسی دقیق و سختگیرانه بر همه کارگزاران اعمال می شود .
امام صادق (ع) در مورد شیوه گزینش کارگزاران حکومتی در عصر ظهور و نحوه ابلاغ وظایف آنها می فرماید:
هنگامی که قائم قیام کند، برای [اداره] هر یک از مناطق جهان فردی را برگزیده، ارسال می دارد و به وی می گوید: پیمان تو به دست توست و اگر با مطلبی مواجه شدی که آن را نفهمیدی و نحوه قضاوت در موردش را ندانستی

به دست خود نگاه کن و به آنچه در آن است عمل نما . (20)
در مورد قاطعیت و سخت گیری امام مهدی (ع) نسبت به کارگزاران و مجریان متخلف در روایتی از امام علی (ع) چنین می خوانیم:
[قائم ما] قاضیان زشتکار را کنار می گذارد و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه می کند و حکمرانان ستم پیشه را عزل می نماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می سازد، و به عدل رفتار می کند . . . (21)
در روایت دیگری قاطعیت و سازش ناپذیری امام عصر (ع) در برابر کارگزاران ناشایست چنین توصیف شده است:
مهدی [علیه السلام] بخشنده است؛ او درباره کارگزاران و ماموران [دولت خویش] بسیار سختگیر است و با ناتوانان و مستمندان بسیار دلرحم و مهربان . (22)

پی نوشت ها :

1 . ر . ک: الصافی الگلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (ع)، ص 478 .
2 . ابن حنبل، احمد، المسند، ج 3، ص 37 .
3 . المجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 36، ص 351، ج 228 .
4 . سوره اعراف (7)، آیه 128 .
5 . بحارالانوار، ج 52، ص 232، ح 58؛ همچنین ر . ک: همان، ص 339، ح 83 .
6 . صحیفه نور، ج 20، ص 199 - 198 .
7 . نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، کلام 20، ص 260 .
8 . ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی، الملاحم والفتن، ص 49و122؛ به نقل از: منتخب الاثر، ص 469 .
9 . المروزی، ابوعبدالله نعیم بن حماد، الفتن (نسخه خطي)، ص 95 به نقل از: معجم احادیث الامام المهدی (ع)، ج 3، ص 295، ح 832 .
10 . النعمانی، محمدبن ابراهیم، کتاب الغیبة، ص 122 . بحارالانوارج 52، ص 354، ح 115 .
11 . بحارالانوار، همان، ص 359، ح 127 .
12 . همان، ص 386، ح 202 .
13 . الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ج 4، ص 554 .
14 . دخیل، علی محمدعلی، الامام المهدی، ص 271 .
15 . نهج البلاغه، ترجمه محمدمهدی فولادوند، خطبه 198، ص 252 .
16 . خوانساری، جمال الدین، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج 60، ص 207، ح 1005 .
17 . القندوزی سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ص 440 .
18 . نهج البلاغه، خطبه 138، ص 173 - 174؛ بحارالانوار، ج 51، ص 120، ح 25 .
19 . بحارالانوار، ج 102، ص 111؛ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای عهد .
20 . کتاب الغیبة، ص 172؛ بحارالانوار، ج 52، ص 365، ح 144 .
21 . بحارالانوار، ج 51، ص 120، ح 23 .
22 . العسکری، نجم الدین جعفربن محمد، المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة و الامامیة، ج 1، ص